با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

تعداد سطل‌های زباله شهری در مناسبت‌های ملی و مذهبی افزایش یابد

جا دارد شـــهرداران مناطـــق مختلف تهـــران به‌خصوص منطقه۱۲ که در مرکز راهپیمایی‌ها و تجمعات ملی و مذهبی است تمهیدات ویژه‌ای برای روزهای خاص درنظر بگیرند. انصافا در این قبیل مراسم شهرداری منطقه ۱۲ سنگ تمام می‌گذارد ولی از آنجا که جمعیت زیاد است تعداد سطل‌های زباله هر قدر هم به‌نظر کافی برســد باز هم کم اســت. در مناسبت‌هایی مانند اربعین که اســتقبال دوچندان است و نیز نذری هم ارائه می‌شود این ضرورت بیشتر حس می‌شود.
گودرزی از تهران

زنگ ورزش در مدارس جدی گرفته شود

متأســـفانه از ســـال‌های خیلی دور زنـــگ ورزش به‌عنوان زمان بیکاری و فراغت بچه‌ها بوده اســـت. در حالی همه ما می‌دانیم ورزش کردن از ســـنین کم موجب تقویت جسم و روح دانش‌آموزان می‌شود و اثرات مفید آن در سال‌های بعد خودش را نمایان می‌کند. مخصوصا حالا که دیگر خبری از بازی بچه‌ها در کوچه وخیابان نیست و انواع تکنولوژی آنها را خانه‌نشین کرده است. به همین علت ضرورت دارد مربیان و معلمان ورزشـــی ما ورزش را به‌طور جدی برای محصلین برنامه‌ریزی و ورزش را جزء لاینفک زندگی آنان کنند.
کدخدازاده از رشت

اختلاسگران و مفسدان اقتصادی را اعدام کنند

همان‌گونه کـــه در کمتر از ۲هفته زورگیـــر بزرگراه نیایش را دســـتگیر و به اعدام محکوم کردند مســـئولان خاطی و اختلاس‌گر را دستگیر کرده و اعدام کنند تا وضعیت کشور ناشی از اختلاس این عده سامانی بگیرد.
رسولی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

ساختمان‌سازی در کمالشهر با کمترین ایمنی صورت می‌گیرد

کمالشهر یکی از نقاط جمعیتی شهر کرج است که در ۲دهه اخیر توسعه شتابانی داشته و بخشی از آن تبدیل به آپارتمان شده و بخش‌های دیگری نیز با شتاب در حال ساخت است. اما نکته فراموش شده این است که ساختمان‌های ساخته شده کمترین ایمنی ممکن را دارند. اصول اولیه و بدیهی در ساخت آنها رعایت نشده است. تقسیم‌بندی داخلی ساختمان‌ها در ۹۰درصد موارد دارای مشکل اســـت. مثلا برای اتاق‌ها کانال کولر تعبیه نشده است. یا مثلا هیچ راهی برای نصب بخاری یا شوفاژ نیست. پنجره‌ها را با شیشه‌های معمول و بسیار بزرگ گرفته‌اند و مسائلی که در نگاه اول متوجه آنها خواهید شد. واقعا چه‌کسی مسئول نظارت بر ساخت‌وساز در کمالشهر است.
زمانی از کمالشهر کرج

تبلیغات روند اعطای وام از طرف بانک‌ها واقعی نیست

حدود ۴ماه پیش برای گرفتن وام خریـــد ۵۰میلیون تومانی به بانک تجارت مراجعه کردم. تمام مدارکی را هم که درخواســـت کرده بودند اعم از نامه کسر از حقوق، ضامن، دسته چک و... را ارائه دادم. از آن تاریخ تاالان هر وقت به بانک مراجعه می‌کنم یک بهانه جدید می‌آورند یک روز می‌گویند سرشـــان شلوغ است یک روز می‌گویند بازرس آمده و یک روز هم روز اعطای وام نیست! واقعا چرا بانک‌ها در تبلیغات‌شان گرفتن وام را سهل‌الوصول و بی‌دردسر نشان می‌دهند ولی در واقعیت این همه مانع تراشی می‌کنند؟
ایمانی از تهران

پیام @ تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

پیگیری روند پرداخت مطالبات گندمکاران در سمنان

به‌رغم وعده‌هایی که سرپرســـت اداره کل غله و خدمات بازرگانی استان سمنان درباره پرداخت به‌موقع مطالبات گندمکاران داده بود، این مطالبات همچنان پرداخت نشده است و چک‌های کشاورزان یکی پس از دیگری برگشت می‌خورد. گویا دست‌هایی در کار است که کشاورز نتواند کشاورزی کند زیرا اگر مطالبات پرداخت نشود عملا امکان کشت بعدی را نخواهیم داشت.
اعلایی از سمنان

بیمارستان میلاد بابت همراه اجباری بیمار هزینه می‌گیرد

بیمارستان دولتی میلاد با وجود دولتی بودن هزینه‌های متعددی به بیمار و همراهش تحمیل می‌کند. خانواده‌ام برای عمل مادرم از شهرستان به تهران رفتند. بیمارستان برای یک نفر همراه بیمار شبی ۳۰۰هزار تومان دریافت می‌کند. درحالی که خود بیمارستان اجبار دارد که کســـی همراه بیمار بماند. این رواســـت که چنین هزینه‌هایی به خانواده‌های تامین اجتماعی تحمیل شود؟ هزینه یک هتل ۵ستاره را از همراه بیمار می‌گیرند.
رضایت از شاهرود

عدم‌پاسخگویی بخش تهران من در سامانه ۱۳۷

برخی تلفن‌های خدماتی بعد از معطلی برای دقایقی طولانی قطع شده و تماس گیرنده بدون پاسخگویی به جای اول خود بازمی‌گردد. در سامانه۱۳۷ پاسخگوی عدد۵ که مربوط به تهران من است هیچ پاسخگویی صورت نمی‌دهد. شما برای گذاشتن یک پیام ممکن است نفر سی‌وسوم باشید و تا رسیدن به نوبت نفر اول صبر کنید اما همان زمان تلفن قطع می‌شود. در این فاصله هزینه تلفن هم از شما کسر می‌شود بدون اینکه پاسخی بابت سؤال خود گرفته باشید. لطفا به این روال رسیدگی شود.
محمدی از تهران

سارقی که کلیپ سرقت هولناک او جنجالی شده بود به دام پلیس افتاد

فوتبالیستی که زورگیر خشن شد

دادسرا

سارق خشنی که با شیوه خفه‌کنی دست به سرقت از زنان می‌زد و فیلم سرقت بی‌رحمانه او از زنی جوان در فضای مجازی جنجال به‌پا کرده بود، به دام پلیس افتاد.

به گزارش همشهری، چند روز قبل فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که از صحنه سرقت بی‌رحمانه مردی از یک زن جوان حکایت داشت. سارق خشن کلاه سفید به سر داشت و ماسکی به‌صورت. از سوی دیگر زن جوان بی‌خبر از اینکه سارق پشت سر او در حرکت است، در حال عبور از پیاده‌رو بود. لحظاتی بعد سارق خشن از پشت سر به سمت زن جوان حمله‌ور شد و دست راستش را دور گردن وی حلقه کرد و زن جوان وحشت‌زده شروع کرد به‌دست و پا زدن. سارق خشن که به‌نظر می‌رسید قصد خفه کردن زن جوان را دارد، کیف او را قاپید و درحالی که زن جوان نیمه بیهوش روی زمین افتاده بود، به سمت خیابان رفت؛ ترک موتور همدستش نشست و هر دو فرار کردند. این فیلم کوتاه در فضای مجازی به‌دست چرخید و از سوی دیگر زن جوان که دندانپزشک بود راهی اداره پلیس شد و به طرح شکایت پرداخت. وی گفت: در پیاده‌رو حرکت می‌کردم و غرق در افکارم که ناگهان دستی از پشت سر مرا گرفت. به‌شدت ترسیده و وحشت کرده بودم. او گردنم را گرفته بود به حدی که احساس خفگی کردم و لحظاتی بعد کاملا بی‌حال شدم و تصور کردم که در حال مرگ هستم. همان لحظه مرد ناشناس رهایم کرد و پس از سرقت کیفم گریخت. من از هوش رفتم و روی زمین افتادم که مردم به دادم رسیدند و خوشبختانه زنده ماندم. شـــاکی گفت: داخل کیفم پول، کارت‌های عابربانک، مدارکم و گوشی موبایلم بود که به سرقت رفت.

پرونده این سرقت جنجالی به دستور قاضی علیرضا بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادســـرای ویژه ســـرقت در اداره پنجم پلیس آگاهی تهران در حال رسیدگی بود و ظرف مدت کوتاهی چندین شکایت مشابه دیگر پیش روی تیم تحقیق قرار گرفت. در همه این سرقت‌ها، سارق فردی بود با کلاه سفید که به شیوه خفه کنی دست به زورگیری از زنان می‌زند. مالباخته دیگر که خانم معلم بود در تحقیقات گفت: برای رفتن به کلاس‌های خصوصی از خانه‌ام خارج شده بودم که ناگهان فردی از پشت سر دستانش را دور گردنم حلقه زد و درحالی که قصد خفه کردن مرا داشت کیفم را قاپید و فرار کرد. ماموران این بار بررســـی فیلم دوربین‌های مداربسته، چهره سارق کلاه سفید را به‌دست آوردند. او مجرمی سابقه‌دار و تحت تعقیب بود که پیش از این نیز بارها به اتهام سرقت دستگیر و زندانی شده بود. تحقیقات برای دستگیری او ادامه داشت تا اینکه معلوم شد فردی با مشخصات ظاهری او چند روز قبل به اتهام سرقت ضبط و باند ماشین‌ها توسط پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران دستگیر شده و هم‌اکنون در بازداشتگاه است.

در این شرایط بود که شاکیان به اداره آگاهی احضار و در مواجه حضوری با متهم دستگیر شده وی را شناسایی کردند. سارق دستگیر شده که چاره‌ای جز اقرار نداشت به سرقت‌های سریالی اعتراف کرد و گفت که دزدی‌ها را با همدستش بهنام که ۱۸ساله و بچه محلش است انجام می‌داده است. با اعتراف وی، او نیز دستگیر شد و تحقیقات برای شناسایی تمام شاکیان ادامه دارد.

گفت‌وگو

تمرین قبل از سرقت

زورگیر خشن ۳۰ساله و آرایشگر اســـت. اما پیش از آن فوتبالیست بوده و به گفته خودش در لیگ دسته یک بازی می‌کرده است. گفت‌وگو با او را بخوانید.

هیچ وقت به این فکر نکردی که یکی از طعمه‌هایت بر اثر خفگی جانش را از دست بدهد؟

حواسم بود. قبل از آن می‌خواستم با تهدید چاقو زورگیری کنم اما ترسیدم که مبادا ناخواسته جان کسی را در درگیری بگیرم. چون در زندان زورگیرانی را دیده بودم که در جریان درگیری با مالباخته ناخواســـته دست به جنایت زده‌اند. به‌دنبال راهی بودم تا اولا به کسی آسیب نرسد و دوم اینکه بتوانم به راحتی سرقت کنم.

چندوقت زندان بودی؟

از سال ۹۲ بارها به اتهام ســـرقت ضبط و باند دستگیر شده‌ام. یک‌بار ۳سال زندانی شدم باردیگر ۴سال و.... آخرین بار حدود ۲سال قبل از زندان آزاد شدم. پس از آن تصمیم گرفتم دیگر خلاف نکنم. به همین دلیل به سراغ شغل قبلی خودم که آرایشگری بود رفتم. مدتی در آرایشگاه مردانه کار کردم اما حقوقم کفاف مخارج زندگی را نمی‌داد. به همین دلیل دوباره سراغ سرقت رفتم. تا مدت‌ها کارم سرقت لوازم داخل خودرو بود اما چون ریسکش بالا بود از ۲، ۳ ماه قبل تصمیم گرفتم شگردم را تغییر بدهم.

چه شد که زورگیری را انتخاب کردی؟

من اعتیاد شدیدی به فضای مجازی دارم. یک روز در اینستاگرام کلیپی دیدم از صحنه سرقت‌های خشن در کشـــورهای خارجی. سارق با شیوه خفه‌کنی دست به ســـرقت می‌زد و من هم تصمیم گرفتم با همین شگرد سرقت کنم، چون به نظرم ریسکش کمتر بود.

یعنی این شگرد را از روی همان فیلم‌ها یاد گرفتی؟

بله اما قبلش کلی تمرین کردم. با دوستم که همدستم بود و چند نفر دیگر تمرین می‌کردم. آنقدر تمرین کردم که حرفه‌ای شدم. طوری که ظرف چند ثانیه می‌توانستم کاری کنم که فرد بی‌حال شود. پس از آن با دوستم راهی خیابان‌های شمال تهران می‌شدیم و با شناسایی طعمه‌هایمان، در محلی خلوت نقشه را اجرا می‌کردم.

چند نفر را به این شگرد به دام انداختی؟

مجموعا ۵تا سرقت با این شگرد انجام دادم. ۴نفرشان خانم بودند و یک نفر آقا. بعد از سرقت هم چنان فرار می‌کردم که کسی به پایم نمی‌رسید. چون دونده خوبی هستم و زمانی فوتبالیست بودم.

فوتبالیست بودی؟!

من هافبک راست یک تیم باشگاهی دسته یک بودم. برای خودم برو و بیایی داشتم اما نمی‌دانم چه شد که در راه خلاف افتادم. با این حال عاشق ورزشم. هنوز هم فوتبال بازی می‌کنم، کوه می‌روم و گاهی در پارک‌ها می‌دوم.

با اموال سرقتی چه می‌کردید؟

گوشی‌ها را می‌فروختیم و پولش بین من و همدستم تقسیم می‌شد.

می‌دانی فیلم یکی از سرقت‌هایت بازتاب گسترده‌ای داشت؟

بله خبر دارم. پس از آنکه متوجه شـــدم فیلم منتشـــر شـــده از ترسم سرقت‌هایم را متوقف کردم. آن روز در پاتوقمان نشسته بودیم که دوستانم پرسیدند با شیوه خفه‌کنی سرقت می‌کنی؟ تعجب کردم و بعد فیلم سرقت را نشانم دادند اما من انکار کردم. آنها از روی کلاه سفیدم مرا شناخته بودند و از همان زمان این سرقت‌ها را متوقف کردم.

می‌دانی زن جوانی که از او سرقت کردی، بیهوش شده بود؟

راستش آن روز خودم هم ترسیدم. از همدستم خواستم به محل سرقت برگردد و ســـر و گوشـــی آب بدهد. وقتی گفت آن زن زنده است خیالم راحت شد.

کلاهبرداران با فروش رمزارز تقلبی ده‌ها نفر را به دام انداختند

در تعقیب کلاهبرداران ۲۰میلیون دلاری

پلیس فتا تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی اعضای باند کلاهبرداری که به بهانه فروش ارزهای دیجیتال صدها نفر را فریب داده و حدود ۲۰میلیـــون دلار کلاهبرداری کرده‌اند آغاز کرده است.

به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از چندی قبل با شکایت چند نفر از شهروندان در دادسرای ناحیه ۳۱رسیدگی به جرائم رایانه‌ای آغاز شد. شاکیان مدعی بودند که در دام یک باند حرفه‌ای کلاهبرداری گرفتار شده‌اند اما به‌دلیل اینکه همه مراحل پرداخت پول‌شان به‌صورت آنلاین بوده به درستی نمی‌دانند که کلاهبرداران چه کسانی هستند. یکی از مالباختگان که از قضا وکیل دادگستری است در این‌باره گفت: من از مدت‌ها قبل در کنار شغلم، خرید و فروش ارزهای دیجیتال هم انجام می‌دهم. مدتی قبل در فضای مجازی با شرکتی آشنا شدم که مدعی بود از طریق رباتی که در اختیار دارد و با استفاده از اختلاف قیمت و نوسان ارزهای دیجیتال در صرافی‌ها به مشتریانش سود می‌رساند. من هم چون قبلا از این طریق سود خوبی نصیبم شده بود جذب این شرکت شدم.

او ادامه داد: نحوه کار ربات این شرکت به این شکل بود که قیمت فروش رمزارز همه صرافی‌ها را در اختیار داشت و وقتی مثلا متوجه می‌شد یک صرافی رمزارزی را ارزان‌تر می‌فروشد آن را می‌خرید و همان موقع به صرافی دیگر می‌فروخت. این کار تقریبا ریسکی نداشت و سود خوبی هم نصیب ما می‌کرد. از طرفی تبلیغات گسترده این شرکت در سایت‌ها و خبرگزاری‌های معتبر و حتی برخی مکان‌های عمومی باعث شده بود که به آن اعتماد کنم.

شاکی در ادامه گفت: این شرایط برای مدتی ادامه داشـــت و موجودی حساب من در شرکت روزبه‌روز بیشتر می‌شد تا اینکه تصمیم گرفتم پولم را برداشت کنم. با اینکه من پول زیادی در آنجا داشتم اما به من گفته شد که روزانه فقط می‌توانم ۵۰۰دلار از حسابم برداشت کنم. من هم این کار را انجام دادم اما پس از ۳روز حسابم مسدود شد و مسئولان شرکت که هیچ وقت آنها را ندیده بودم و ارتباطم با آنها از طریق چت کردن بود پاسخی به من ندادند.

رمزارز قلابی

اما ترفند اعضای این باند فقط به این کار منحصر نبود و بررسی اظهارات سایر شاکیان نشان داد آنها از شگردهای مختلفی برای سرکیسه کردن طعمه‌های‌شان استفاده می‌کنند. از جمله این ترفندها فروش ارز دیجیتال قلابی بود. یکی دیگر از مالباختگان که با این شیوه حدود ۳میلیارد تومان از او کلاهبرداری شده در این‌باره گفت: من از طریق دوستانم با این شرکت آشنا شدم. آنها رمزارزی را معرفی کردند که قیمت خوب و روند صعودی داشت و سود خوبی نصیبم می‌کرد. به همین دلیل حدود ۳میلیارد تومان از این رمزارز خریدم. او ادامه داد: از آن به بعد کارم شده بود کنترل لحظه به لحظه ارزش رمزارزهایم. لحظه به لحظه ارزش آن بیشتر می‌شد و سود زیادی به حسابم مجازی‌ام می‌آمد. برای مدتی بدون اینکه بتوانم پولی برداشت کنم این روند ادامه داشت تا اینکه یک روز صبح وقتی حساب مجازی‌ام را کنترل کردم متوجه شدم که ارزش رمزارزهایم صفر شده است. این اتفاق به این معنا بود که نه‌تنها سودی نصیبم نشده بلکه ۳میلیارد تومان سرمایه اولیه‌ام هم از بین رفته بود. شوکه شده بودم و به درستی نمی‌دانستم که چه اتفاقی افتاده و وقتی به مسئولان شرکت اعتراض کردم این اتفاق را گردن فرد دیگری انداختند.

شاکی در ادامه گفت: متأسفانه در این مدت من افراد زیادی مثل اعضای خانواده و دوستان و همکارانم را برای سرمایه‌گذاری در این شرکت تشـــویق کرده بودم و حدود ۱۵میلیارد تومان از طریق من وارد این شرکت شده بود و تنها راهی که به فکرمان رسید شکایت در دادسرا بود.

براساس این گزارش پس از چند روز شمار شـــاکیان این پرونده از ۱۰۰نفر عبور کرد. این در حالی است که هنوز افراد زیادی شکایت خود را ثبت نکرده‌اند و شمار زیادی از مالباختگان در جریان آنچه اتفاق افتاده قرار ندارد. درحالی که مبلغ کلاهبرداری شده در این پرونده قریب به ۲۰میلیون دلار تخمین زده می‌شود، تحقیقات پلیس برای شناسایی پشت پرده این پرونده ادامه دارد.

پایان کابوس ۱۷ساله چوبه دار

داخلی

مرد جوان وقتی با برادر همسرش درگیر شد، از سر عصبانیت ســـنگی به‌سوی او پرتاب کرد و همین سنگ باعث مرگش شد تا او به اتهام قتل عمدی ۱۷ســـال از عمرش را پشت میله‌های زندان با کابوس چوبه دار سر کند. هرچند این مرد چند مرتبه هم پای چوبه دار رفت؛ اما سرانجام با پادرمیانی مســـئولان قضایی و با کمک فردی خیر از قصاص نجات یافت.

به گزارش همشـــهری، ایـــن حادثه ســـال ۸۴ در یکی از محله‌های بندرعباس اتفاق افتـــاد. آن زمان مردی به نام صادق با همســـرش دچار اختلاف و کشـــمکش بود. روز حادثه آنها باز هم با یکدیگر بگومگو کردند و همسر صادق با برادرش تماس گرفت و پس از آن برادر همسر صادق به هواداری از خواهرش به خانه آنها رفت اما موتورسیکلت او در فاصله کمی از خانه خواهرش خراب شد. او سیم کلاچ موتور را باز کرده و در حال تعمیر آن بود که ناگهان صادق هم سوار بر موتورســـیکلتش از خانه بیرون آمد. همین که او قصد داشت از کنار برادر همسرش عبور کند، او با سیم کلاچ که دستش بود ضربه‌ای به کمر صادق زد و همین ضربه باعث شد با یکدیگر درگیر شوند. شاهدان آنها را جدا کردند اما درست لحظه‌ای که صادق سوار موتورسیکلتش شد که برود، بار دیگر برادر همسرش با سیم کلاچ ضربه‌ای به کمر او زد. صادق که عصبانی‌تر از قبل شـــده بود سنگی از روی زمین برداشت و به‌سوی برادر همسرش پرتاب کرد. سنگ به سر او برخورد کرد و همین باعث مرگ برادرزن وی شد.

زندگی با هویت جعلی

پس از این حادثه هیچ‌کس از صادق خبر نداشت و تجسس‌های مأموران پلیس تا ۲سال ادامه داشت تا اینکه در سال ۸۶ آنها به اطلاعاتی دست یافتند که نشـــان می‌داد صادق با هویتی جعلـــی و به‌طور مخفیانه زندگی می‌کند. او در یک نانوایی به‌عنوان کارگـــر کار می‌کرد که پس از ۲ســـال فرار دستگیر شد و به قتل برادر همســـرش اعتراف کرد؛ اما گفت قصد کشتن او را نداشته است. او گفت: آن روز چون عصبانی بودم سنگی از زمین برداشتم و به طرف سمت برادرزنم پرتاب کردم اما از شـــانس بدم سنگ درست به سرش خورد و من هم از ترس فرار کردم و بعد فهمیدم که او فوت شده است. برای همین فرار کردم و در این مدت مدام می‌ترسیدم که مأموران پلیس پیدایم کننـــد و مدام کابوس چوبـــه دار می‌دیدم تا اینکه سرانجام دستگیر شدم. به‌دنبال اعترافات متهم، او در دادگاه کیفری یک استان هرمزگان محاکمه و به قصاص محکوم شد. رأی دادگاه مدتی بعد از دیوان عالی کشور نیز مهر تأیید خورد و همه‌چیز برای اجرای حکم قصاص آماده بود اما مادر مقتول فوت شد و روند اجرایی‌شدن حکم طولانی شد.

با طولانی‌شدن روند رسیدگی به این پرونده خانواده متهم از یک‌سو و مسئولان شـــورای حل اختلاف زندان از سوی دیگر برای جلب رضایت اولیای دم دســـت به‌کار شدند تا شاید متهم پس از سال‌ها از چوبه دار نجات پیدا کند. مادر مقتول پیش از قتل پسرش در قید حیات بود. به همین دلیل حق قصاص به ورثه او که تعدادشان زیاد بود نیز می‌رسید. آنها در استان‌های تهران، خوزستان، اصفهان و هرمزگان ساکن بودند و همین موضوع رایزنی با آنها را دشوار می‌کرد. با وجود این مسئولان شورای حل اختلاف زندان بندرعباس یک‌به‌یک ســـراغ اولیای دم در استان‌های مختلف رفتند و با آنها برای جلب رضایت‌شـــان گفت‌وگو کردند. تلاش برای بخشش این زندانی که از ۲سال قبل شروع شده بود سرانجام چند روز قبل به نتیجه رسید تا بلاتکلیفی ۱۷ساله این زندانی پایان یابد.

بخشش با کمک مرد خیر

کاظم شـــاهرخ‌نیا، از اعضای شورای حل اختلاف زندان بندرعباس که ۲ســـال روی این پرونده کار کرده اســـت، در این‌باره به همشـــهری می‌گوید: این مرد ناخواســـته مرتکب قتل شـــده بود و از طرفی در سال‌هایی که زندانی بود اصلاح شده بود. به همین دلیل در شورا تصمیم گرفته شد برای جلب رضایت اولیای‌دم پرونده تلاش شـــود. او ادامه می‌دهد: با سفر به اســـتان‌های مختلف تلاش کردیم و رضایت یک‌به‌یک اولیای دم را جلب کردیم اما درنهایت آنها اعلام کردند که برای آینده فرزند مقتول ۲۰۰میلیون تومـــان به‌عنوان دیه دریافت می‌کنند تـــا به‌طور کامل رضایت دهند. مرد زندانی ســـال‌ها در زندان بود و وضعیت مالی خوبی نداشت. در این شرایط یکی از افراد خیر شهر به نام فرهاد فخرایی که پیش از این نیز در چند پرونده باعث آزادی زندانیان شده بود پیشقدم شد و این مبلغ را پرداخت کرد تا این پرونده پس از ۱۷ســـال مختومه شود. به گفته شاهرخ‌نیا قرار است مرد زندانی با انجام تشـــریفات قانونی بـــه‌زودی از زندان آزاد شود.

کوتاه از حادثه

همسایه شجاع منجی ۲کودک بازیگوش شد

«دود از درز در بیرون می‌زد و صدای ۲کودکی که در خانه میان دود و آتش گرفتار شده بودند به گوش می‌رسید. در این شرایط همســـایه فداکار راهی جز شکســـتن در نداشـــت.» این لحظه حساسی است که مردی فداکار متوجه شـــد جان ۲ کودک که در همســـایگی‌اش زندگی می‌کنند در خطر است و با احساس مسئولیت توانست جان آنها را از مرگ حتمی نجات دهد.

به گزارش همشهری، این حادثه صبح دیروز در یکی از واحدهای مجتمع مسکونی واقع در گلستان شهر بجنورد اتفاق افتاد. مرد جوانی که در یکی از واحدهای طبقه چهارم زندگی می‌کرد صدای چند کودک را از واحد مجاور شنید و وقتی به راهرو آمد متوجه شد از بین درزهای در خانه همسایه دود بیرون می‌آید و سر و صدا هم مربوط به ۲کودکی است که در آنجا زندگی می‌کنند. آنطور که شواهد نشان می‌داد در خانه آتش‌سوزی اتفاق افتاده و در به روی ۲کودکی که آنجا بودند قفل بود و آنها نمی‌توانستند از خانه خارج شوند. در این شرایط بود که این مرد با آتش‌نشانی تماس گرفت و درخواست کمک کرد. لحظات سخت و دلهره‌آوری بود. ۲کودک در داخل به در خانه می‌کوبیدند و دود هر لحظه بیشـــتر می‌شد و جان آنها در خطر بود. در چنین شـــرایطی بود که مرد تصمیم گرفت تا پیش از رسیدن آتش‌نشانان خودش دست به‌کار شده و ۲کودک را نجات دهد. او از آنها خواست کمی از پشت در فاصله بگیرند و خودش با ضرباتی که به در می‌زد تلاش کرد در را بشکند. او با همه توان چند ضربه به در زد تا اینکه سرانجام در شکسته شد. با گشوده شدن در، حجم زیادی از دود از خانه خارج شد و راهرو را پر کرد. در این شرایط بود که مرد فداکار وارد خانه شده و توانست ۲کودک را که ۴ و ۸ساله بودند از مرگ حتمی نجات دهد. این در حالی بود که لحظاتی بعد آتش‌نشانان نیز از راه رسیدند و ضمن اطفای حریق، ساختمان را تخلیه کردند.

در همین حال مجید خوش‌رفتار، معاون عملیات آتش‌نشـــانی بجنورد در این‌باره به همشـــهری گفت: در بررســـی‌های اولیه مشخص شد که والدین این دو کودک به‌دلیل اینکه هر دو سر کار می‌روند در را روی فرزندان‌شان قفل می‌کردند. از طرفی ۲کودک بازیگوش در حال بازی با کبریت و چند تکه کاغذ و مقوا بودند که آتش‌سوزی آغاز شد و با تجمع دود در خانه آنها گرفتار شدند و به‌دلیل قفل بودن در خانه نمی‌توانستند از خانه بیرون بیایند و این حادثه اتفاق افتاد. وی در خصوص اقدام مرد همســـایه در نجات دادن کودکان گفت: شدت دود جمع شده در خانه به حدی بود که اگر این اقدام شجاعانه حتی یک دقیقه دیرتر انجام می‌شد ممکن بود هر دو کودک در این حادثه جان خود را از دست بدهند که با وظیفه‌شناسی این مرد این حادثه به خیر گذشت.

کلاهبرداری ۱۰میلیاردی با فروش املاک بلاصاحب

اعضای باندی که با شناسایی املاک بلاصاحب، آنها را با اسناد و مدارک جعلی می‌فروختند، دستگیر شدند.

به گزارش همشـــهری، تحقیقات پلیس اســـتان البرز برای دستگیری این باند زمانی آغاز شد که پرونده‌ای درباره تصاحب غیرقانونی ملکی در منطقه جهانشـــهر کرج در اختیار پلیس آگاهی استان البرز قرار گرفت. محتویات پرونده از این حکایت داشت افرادی با شناسایی زمینی که مدت‌ها از مالک آن خبری نبود، اقدام به تهیه اسناد و مدارک جعلی برای این زمین کرده و آن را به فروش رسانده‌اند.

با شروع تحقیقات پلیسی، مأموران متوجه شدند که با یک باند کاملا حرفه‌ای روبه‌رو هستند و این احتمال دارد که آنها املاک دیگری را هم با همین شگرد تصاحب کرده و به فروش رسانده باشند. بنابراین بررســـی‌های تخصصی در این پرونده ادامه یافت و معلوم شد که اعضای باند یک زن و ۸مرد هستند که با اشراف به قوانین ملکی و نحوه دور زدن آنها، اقدام به تصاحب زمین مورد نظر کرده‌اند. تحقیقات نشان می‌داد که این افراد پس از شناسایی زمین با تنظیم یک سند جعلی، یکی در نقش خریدار و دیگری در نقش فروشنده آن را معامله کرده‌اند. آنها سپس این کار را چندبار دیگر هم ادامه داده‌اند؛ به این صورت که این بار بقیه اعضای باند در نقش فروشـــنده و خریدار وارد ماجرا شـــده و با تنظیم چند قولنامه و دست به‌دست کردن ملک مورد نظر بین خودشـــان، کاری کرده بودند که به‌نظر برسد سند ملک مورد نظر واقعی اســـت. در نهایت نیز با درج آگاهی فروش ملک و شناســـایی یک مشتری توانسته بودند آن را با همین اسناد و مدارک جعلی، به وی بفروشند. با این اطلاعات شناسایی اعضای این باند ادامه یافت و با سرنخ‌های به‌جا مانده از آنها مأموران موفق شدند متهمان را یکی پس از دیگری شناسایی کنند.

به گفته سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز، کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری با همکاری مأموران کلانتری ۱۳ کـــرج موفق شـــدند مخفیگاه تمامی ۹عضو این باند را شناسایی و آنها را در چند عملیات همزمان و غافلگیرانه دستگیر کنند.

وی با اشاره به کشف مدارک و شواهد غیرقابل انکار در مخفیگاه متهمان افزود: در بررسی‌ها معلوم شـــد که این افراد املاک بلاصاحب زیادی را با این شگرد تصرف کرده و سپس آنها را فروخته‌اند. اعضای این باند در بازجویی‌ها به تصاحب و فروش ۱۲ملک با این شگرد اعتراف کردند و معلوم شد که از این راه بیش از ۱۰میلیارد تومان به جیب زده‌اند. رئیس پلیس آگاهی اســـتان البرز با بیان اینکه پرونده متهمان در اختیار مرجع قضایی قرار گرفته است از شهروندان خواست که برای انجام معاملات ملکی به آژانس‌های املاک معتبر مراجعه کنند و از اصالت اسناد ملک مورد معامله مطمئن شوند.

مرگ اسرارآمیز زنی در پایتخت

تحقیقات درباره مرگ اســـرار آمیز زنی که شوهرش مدعی است سکته کرده، از سوی تیم جنایی پایتخت آغاز شده است. به گزارش همشـــهری، چنـــد روز قبل مـــردی درحالی که سراســـیمه و نگران بود، پیکـــر نیمه جان همســـرش را به بیمارستانی در تهران انتقال داد و گفت او سکته کرده است. تلاش برای نجات این زن فایده‌ای نداشـــت و وی جانش را از دست داد. پزشکان که به مرگ زن جوان و رفتارمرموز شوهرش مشکوک شده بودند، ماجرا را به پلیس اطلاع دادند و با دستور قاضی محمد حسین زارعی، بازپرس ویژه قتل تحقیقات در این‌باره آغاز شد. مرد جوان در تحقیقات گفت: من با همسرم زندگی خوبی داشتم و اختلافی هم نداشتیم. ساعتی قبل در خانه بودیم که ناگهان حال همسرم بد شد و روی زمین افتاد. من احتمال دادم که او سکته کرده باشد، به همین دلیل او را به بیمارستان منتقل کردم. درحالی که مرد جوان مدعی بود با همسرش هیچ اختلافی نداشته است، بررسی‌های تیم جنایی، عکس این ادعا را نشان داد. تحقیقات نشـــان می‌داد که زن فوت شده از مدتی قبل با همسرش اختلاف و درگیری داشته، به‌طوری که همســـایه‌ها بارها صدای درگیری آنها را شنیده بودند. به همین دلیل بازپرس جنایی تهران دستور بازداشت مرد جوان را صادر کرد و از ســـوی دیگر جســـد زن جوان به پزشکی قانونی انتقال یافت تا علت اصلی مرگ او بررسی شود.

تسلیت

همکار گرامی سرکار خانم دکتر آمنه صفری گیری

تحمل ســـوگ و فقدان مادر، صبری الهی می‌طلبـــد. رحلت مادر گرامیتان خانم **کربلائی گوهر قلی زاده‌گیری** را محضر شـــما و خانواده گرامیتان تسلیت عرض نمـــوده، از خداوند متعال صبری جمیل برایتان آرزومندیم. ما نیز در غم و اندوه آن فقیده سعیده سهیم هستیم.

از طرف خانواده‌های داودی، صفی زاده، خدادادی و همکاران نوین دارو